



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

فصل ششم: شورای حل اختلاف

(ق.ش.ح.ا)

- **شورای حل اختلاف:** مرجعی تحت نظارت قوه قضاییه است، که نسبت به ایجاد صلح و سازش بین طرفین تلاش می کند یا به برخی امور و اختلافات نسبتاً جزئی فی مابین اشخاص، رسیدگی می کند.

• اوصاف شورای حل اختلاف:

۱. یک مرجع قضایی است؛ زیرا به اختلافات خصوصی فی مابین اشخاص رسیدگی می کند.
۲. یک مرجع غیردادگستری است؛ چون غیر از قاضی شورا که دارای پایه قضایی است، اشخاصی با عنوان عضو شورا، به پاره ای از موضوعات رسیدگی می کنند، که ایشان دارای ابلاغ قضایی نیستند.
۳. وظیفه شورای حل اختلاف، صرفاً رسیدگی به اختلافات نیست؛ بلکه وظیفه دارد نسبت به ایجاد صلح و سازش بین طرفین نیز اقدام کند.
۴. شورای حل اختلاف ممکن است در شهر یا در صورت لزوم، در روستا تشکیل شود.
۵. شورای حل اختلاف روستاها حق رسیدگی قضایی نداشته و صرفاً می توانند برای ایجاد صلح و سازش اقدام کنند.
۶. رئیس قوه قضاییه می تواند برای رسیدگی به امور خاص، شوراهای تخصصی تشکیل دهد.
۷. رئیس قوه قضاییه می تواند برای سازش در دعاوی و شکایات اقلیت های دینی که در اصل ۱۳ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده اند، شوراهای حل اختلاف خاص آنها را تشکیل دهد. این شوراهای صرفاً برای صلح و سازش صلاحیت دارند، نه رسیدگی قضایی.

• ترکیب شورای حل اختلاف:

۱. شورای حل اختلاف، هم دارای قاضی است و هم دارای اشخاصی به نام «عضو شورا» است.
۲. در هر حوزه قضایی، یک یا چند قاضی دادگستری به عنوان قاضی شورا حضور دارند؛ که در شورای حل اختلاف واقع در شهرها یا روستاهای آن حوزه قضایی، انجام وظیفه می کنند.
۳. قاضی شورا می تواند از بین قضات شاغل یا بازنشسته باشد. همچنین رئیس قوه قضاییه می تواند سالانه تعدادی از کارآموزان قضایی را به عنوان قاضی شورا تعیین کند.
۴. قاضی شورا می تواند هم زمان، رسیدگی در چند شورای حل اختلاف را بر عهده داشته باشد.
۵. هر شورا، دارای رئیس، دو عضو اصلی و یک عضو علی البدل است.
۶. اعضای شورا، دارای پایه قضایی نیستند.

• صلاحیت قاضی شورای حل اختلاف: رسیدگی و صدور رأی یا تصمیم در خصوص موضوعات ذیل، با قاضی

شورا است؛ که البته با مشورت اعضای شورا، اقدام به رسیدگی می کند. این موارد عبارت است از:

۱. دعاوی مالی، راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال. در این خصوص باید توجه داشت که:
 - رسیدگی به دعوایی که خواسته آن، وجه رایج نباشد؛ بلکه سایر اموال باشد و به مبلغی تا دویست میلیون ریال تقویم شده باشد، در صلاحیت قاضی شورای حل اختلاف است.
 - دعاوی غیرمنقول در صلاحیت شورا نیست و فقط دعاوی منقول قابل طرح در شورا هستند.

- در شورای حل اختلاف برخلاف آیین دادرسی مدنی، بهای خواسته بر اساس نرخ واقعی آن تعیین می‌گردد نه بهای اعلامی خواهان.
- دعاوی که خواسته آن کمتر از این مبلغ است و قبل از تصویب قانون جدید شورای حل اختلاف در دادگستری طرح شده، همچنان در دادگستری رسیدگی می‌شود.
- ۲. تمام دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره، به جز دعاوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه، توجه داشته باشید که:
 - در صورت جمع سه شرط، برای تخلیه عین مستأجره، دستور تخلیه، صادر می‌شود؛ نه حکم تخلیه. این سه شرط عبارت است از این که ۱- عقد اجاره، تابع قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۷۶ باشد. ۲- مدت اجاره، منتهی شده باشد. ۳- اجاره‌نامه در سند عادی با امضای دو شاهد یا در سند رسمی تنظیم شده باشد.
 - برای صدور دستور تخلیه طبق بند فوق، جلسه دادرسی تشکیل نمی‌شود و نیازی به دعوت از طرفین نیست. دستور تخلیه قابل تجدیدنظر نیست و اجرای آن به صورت فوری و بدون نیاز به صدور اجرائیه به عمل می‌آید.
 - در غیراین صورت؛ یعنی اگر هر یک از شرایط فوق موجود نباشد، برای مثال، در اجاره‌های تابع قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶، در اجاره‌های شفاهی، در اجاره‌نامه‌های عادی که شاهد ندارد یا در مواردی که تخلیه عین مستأجره به دلیل فسخ یا انفساخ اجاره، قبل از انقضای مدت اجاره صورت می‌گیرد، برای تخلیه عین مستأجره باید طرح دعوی کرد، که در این صورت، جلسه رسیدگی تشکیل و حکم تخلیه (نه دستور تخلیه) صادر می‌شود و این حکم، بعد از قطعیت و صدور اجرائیه قابل اجرا است.
 - هم صدور دستور تخلیه و هم صدور حکم تخلیه، در صلاحیت شورای حل اختلاف است؛ مگر آن که موضوع، متضمن حق کسب و پیشه یا سرقفلی باشد.
 - با توجه به این که دستور تخلیه، بدون دعوت از مستأجر صادر می‌شود، مستأجر می‌تواند نسبت به آن اعتراض کند. این اعتراض با نام «ابطال دستور تخلیه»، ممکن است بر مبنای اموری مانند تمدید شدن مدت اجاره، عدم انقضای مدت اجاره یا جعلی بودن اجاره‌نامه باشد.
 - با توجه به اطلاق بند «ب» ماده ۹ ق.ش.ج.ا، که دعاوی راجع به تخلیه را در صلاحیت قاضی شورای حل اختلاف دانسته، علاوه بر دعاوی تخلیه عین مستأجره و درخواست صدور دستور تخلیه عین مستأجره، دعاوی ابطال دستور تخلیه نیز در صلاحیت قاضی شورای حل اختلاف است.
- ۳. دعاوی تعدیل اجاره بها به شرطی که در اصل رابطه استیجاری اختلافی نباشد.
- ۴. صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن. البته توجه داشته باشید که:
 - دعاوی تقسیم ترکه، در صلاحیت محاکم عمومی است.
 - صدور گواهی حصر وراثت در صلاحیت شورای حل اختلاف است؛ اما اعتراض به گواهی حصر وراثت یا درخواست ابطال آن در صلاحیت محاکم عمومی است. اعتراض به گواهی حصر وراثت، ممکن است از جانب شخصی طرح شود که خود را در شمار وراث می‌داند؛ اما نام او در بین وراث درج نشده است یا آن که شخص ذی‌نفعی مدعی باشد که نام شخصی در گواهی حصر وراثت درج شده است، در حالی که او در شمار وراث نیست.

۵. ادعای اعسار از تأدیه محکوم‌به، اگر شورا نسبت به اصل دعوی، رسیدگی کرده باشد.
۶. دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا دویست میلیون ریال در صلاحیت شورای حل اختلاف است مگر آن که دادگاه خانواده در قالب صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش راجع به این امور تعیین تکلیف کرده باشد.
۷. جرایم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات نقدی درجه هشت (تا ده میلیون ریال) باشد. در این خصوص باید توجه داشت که:
 - اگر یک جرم تعزیری مستوجب مجازاتهای غیرنقدی مانند شلاق یا حبس نیز باشد در شورای حل اختلاف قابل رسیدگی نیست حتی اگر این مجازات‌ها از درجه هشت باشند.
 - شورای حل اختلاف مجاز به صدور حکم شلاق و حبس نیست.
۸. تأمین دلیل^۱

✓ سؤال: اگر ترک متوفی، کم‌تر از دویست میلیون ریال باشد، رسیدگی به دعوی تقسیم‌ترکه، در صلاحیت چه مرجعی است؟
 جواب: در صلاحیت محاکم عمومی است؛ زیرا دعوی تقسیم‌ترکه، همان‌طور که قبلاً بیان شد، دعوی غیرمالی است. بنابراین، تابع بند «الف» ماده ۹ ق.ش.ج.ا نیست؛ که در صلاحیت قاضی شورای حل اختلاف قرار گیرد.

- صلاحیت‌های جانبی شورای حل اختلاف: شورا چهار دسته صلاحیت جانبی دارد:
 ۱. صلاحیت شورا برای اقدام جهت حصول صلح و سازش بین طرفین: شورای حل اختلاف می‌تواند در صورت رضایت هر دو طرف، جهت حصول صلح و سازش بین طرفین در موارد ذیل اقدام کنند:
 - تمام امور مدنی و حقوقی.
 - تمام جرائم قابل گذشت.
 - جنبه خصوصی جرائم غیر قابل گذشت.
 در این خصوص باید توجه داشت که:
 - گزارش اصلاحی صادره از شورا، برخلاف گزارش اصلاحی محاکم، نیاز به ابلاغ دارد.
 - اگر رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعلام نماید شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می‌کند.
 - در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد، گزارش اصلاحی صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می‌شود، در غیر این صورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده، در صورت مجلس منعکس و مراتب به مرجع قضایی صالح اعلام می‌شود.
 ۲. صلاحیت شورا برای اقدام جهت حصول صلح و سازش بین طرفین، به موجب ارجاع دادگاه:
 دادگاه ممکن است پرونده‌ای را جهت حصول صلح و سازش، به شورا ارجاع دهد؛ بدین نحو که:

۱ تأمین دلیل در صفحه ۳۶۱ همین کتاب تعریف شده است.

- در تمام اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و جرایم قابل گذشت، مرجع قضایی رسیدگی کننده (اعم از دادگاه یا دادسرا) می تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، فقط یک بار موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع کند.
- در این صورت، اعضای شورای حل اختلاف تکلیف دارند جهت ایجاد صلح و سازش تلاش کنند.
- شورا باید نتیجه سازش یا عدم سازش را در مهلت تعیین شده، به دادگاه اطلاع دهد.
- در صورت سازش بین طرفین، پرونده به دادگاهی که به آن رسیدگی کرده، ارسال می شود تا همان دادگاه، گزارش اصلاحی تنظیم کند.
- در صورت عدم سازش بین طرفین، پرونده به دادگاهی که به آن رسیدگی می کرده، برای ادامه رسیدگی ارسال می شود.
- چنین پرونده ای که از طرف دادگاه برای ایجاد صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارجاع شده، نباید به مدت بیش از سه ماه در شورا بماند. مدت توقف پرونده در شورای حل اختلاف جهت سازش، بسته به نظر قاضی است که پرونده را ارسال کرده؛ اما این مدت نباید بیش از سه ماه باشد.
- ۳. **صلاحیت اعضای شورا برای داوری:** ممکن است طرفین یک اختلاف، شورای حل اختلاف را برای داوری در خصوص اختلافات خود برگزینند. در این خصوص باید توجه داشت که:
 - شورا مکلف به رعایت قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی است. البته اگر این داوری یک داوری بین المللی باشد، باید شورا را مکلف به رعایت قواعد داوری تجاری بین المللی دانست.
 - با توجه به آن که انجام داوری توسط قضات ممنوع است، در این حالت اعضای شورا، اقدام به داوری می کنند؛ نه قاضی شورا.
- ۴. **صلاحیت شورا در خصوص امور حسبی:** شورا باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال محجورین، اعم از صغیر، مجنون یا سفیه که فاقد ولی یا قیم باشند، اموال غایب مفقودالثر، اموال مجهول المالک و ماترک متوفای بلاوارث، انجام دهد و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کند. البته، شورا حق دخل و تصرف در هیچ یک از اموال مذکور را ندارد.

- **موارد خارج از صلاحیت شورای حل اختلاف:** موارد ذیل؛ حتی در صورت تراضی طرفین، قابل رسیدگی در شورای حل اختلاف نیست:
 ۱. دعاوی که در آن یک طرف یا طرفین آن، شخص یا اشخاص حقوقی دولتی باشند.
 ۲. دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی.
 ۳. اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب. البته باید توجه داشت که:
 - منظور از اختلاف در اصل نکاح، دعاوی اثبات زوجیت، بطلان نکاح و انفساخ نکاح است.
 - منظور از این که دعوای اصل طلاق در شورای حل اختلاف قابل طرح نیست، آن است که شورای حل اختلاف نمی تواند حکم طلاق صادر کند یا به دعوای راجع به صحت یا بطلان نکاح رسیدگی کند؛ اما می تواند با توافق طرفین با ارجاع دادگاه خانواده برای حل اختلافات زوجین و پیشگیری از طلاق و صلح و سازش بین زوجین اقدام کند.
 - منظور از دعاوی نسب، دعاوی اثبات نسب و نفی ولد است.

۴. اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت.
۵. دعوای راجع به حجر و ورشکستگی. البته باید توجه داشت که:
 - دعوای اثبات ورشکستگی یا درخواست صدور حکم حجر یا حکم رشد در شورای حل اختلاف قابل طرح نیست؛ اما دعوای علیه محجورین یا ورشکستگان در شورا قابل طرح است.
۶. اموری که به موجب قوانین دیگر، در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضایی غیردادگستری است.

• سایر قواعد صلاحیت در شورای حل اختلاف:

۱. شوراهای حل اختلاف، از حیث صلاحیت محلی تابع قانون آیین دادرسی مدنی هستند.
 ۲. اگر دعوای طاری یا دعوایی که مرتبط با دعوای اصلی است، در صلاحیت مراجع قضایی باشد، ولی دعوای اصلی در صلاحیت شورای حل اختلاف باشد، در این صورت، هر دو دعوی در مرجع قضایی رسیدگی می‌شود.
- ✓ سؤال: دعوایی در شورای حل اختلاف تحت رسیدگی است. دعوایی طاری (تقابل، ورود ثالث، جلب ثالث یا اضافی) نسبت به آن طرح می‌شود، که رسیدگی به آن دعوای طاری، از صلاحیت شورای حل اختلاف خارج است و در صلاحیت محاکم عمومی است. در این حالت تکلیف چیست؟
- جواب: در این حالت شورا، کل پرونده، متشکل از دعوای اصلی و طاری را به دادگاه عمومی صالح می‌فرستد.
- ✓ سؤال: در فرض مندرج در سؤال قبل، اگر دادگاه عمومی نسبت به دعوای طاری، قراری مانند قرار رد دعوی صادر کند، تکلیف دعوای اصلی چیست؟
- جواب: دعوای اصلی، از ابتدا در صلاحیت شورای حل اختلاف بوده است. دعوای اصلی بدان دلیل به دادگاه عمومی ارسال شده که دعوای طاری مطروحه، در صلاحیت دادگاه عمومی بوده است. بنابراین، بعد از صدور قرار رد دعوای طاری و قطعیت قرار مزبور، پرونده اصلی برای رسیدگی به شورای حل اختلاف ارسال می‌شود. این از آن روست که پرونده مزبور در صلاحیت شورای حل اختلاف است و با مرتفع شدن دعوای طاری، محملی برای رسیدگی به دعوای اصلی در دادگاه عمومی باقی نمی‌ماند.

• حل اختلاف در صلاحیت در شوراهای حل اختلاف:

۱. در صورت اختلاف در صلاحیت محلی شوراها، به ترتیب زیر اقدام می‌شود:
 - در مورد شوراهای واقع در یک حوزه قضایی، مانند شوراهای حل اختلاف روستاهای یک حوزه قضایی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی همان حوزه است.
 - در مورد شوراهای واقع در حوزه‌های قضایی شهرستان‌های یک استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضایی شهرستان مرکز استان است.
 - در مورد شوراهای واقع در دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی است، که ابتدائاً به صلاحیت شورای واقع در آن استان، اظهار نظر شده است.
۲. در صورت اختلاف در صلاحیت شورا با سایر مراجع قضایی غیردادگستری:
 - اگر در یک حوزه قضایی باشند، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضایی مربوط است.

- اگر در حوزه‌های قضایی مختلف یک استان باشند، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز همان استان است.
- اگر در دو استان مختلف باشند، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی است، که ابتدائاً به صلاحیت مرجع رسیدگی کننده واقع در آن استان، اظهار نظر شده است.
- ۳. در صورت اختلاف در صلاحیت بین شورا و مرجع قضایی: نظر مرجع قضایی، لازم‌الاتباع است. بنابراین، نظر هر مرجع قضایی در خصوص صلاحیت، برای هر شورای حل اختلاف لازم‌الاتباع است؛ چه شورای حل اختلاف مزبور، در حوزه آن دادگاه واقع شده باشد یا در حوزه دادگاه دیگری باشد.

• قواعد رسیدگی در شورای حل اختلاف:

۱. رسیدگی در شورای حل اختلاف، مستلزم درخواست متقاضی است.
۲. درخواست رسیدگی، ممکن است کتبی باشد یا شفاهی. درخواست شفاهی، در صورت مجلس درج و به امضای متقاضی می‌رسد.
۳. این درخواست باید متضمن موارد ذیل باشد:
 - نام، نام خانوادگی، مشخصات و نشانی طرفین دعوا
 - موضوع خواسته یا درخواست یا اتهام
 - تقویم خواسته در امور مالی
 - دلایل و مستندات درخواست یا شکایت
۴. طرفین می‌توانند در شورا، وکیل معرفی کنند. با توجه به آن که رسیدگی در شورا تابع قواعد کلی آیین دادرسی مدنی است، در حال حاضر وکالت در شورای حل اختلاف نیازمند پروانه وکالت است.
۵. در مواردی که دعوای طاری مرتبط با دعوای اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضایی صالح به عمل می‌آید.
۶. با توجه به تبعیت شورا از قواعد آیین دادرسی، شورای حل اختلاف می‌تواند در حیطه صلاحیت خود دستور موقت یا تامین خواسته صادر کند.
۷. اگر در رأی شورا سهو قلم (مانند اشتباه در اعداد و اسامی و محاسبات یا کم و زیاد شدن کلمه‌ای) رخ داده باشد، تا وقتی که نسبت به آن تجدیدنظرخواهی نشده، قاضی شورا راساً یا به درخواست ذی‌نفع رأی را تصحیح می‌کند. رأی تصحیحی هم ابلاغ می‌شود.

• هزینه دادرسی در شورای حل اختلاف:

۱. در شکایات کیفری معادل هزینه دادرسی در محاکم است.
۲. در دعوای غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم است.
۳. در دعوای مالی معادل نصف هزینه دادرسی محاکم است.
۴. رسیدگی به درخواست صلح و سازش که با تراضی طرفین در شورا مطرح شده بدون هزینه دادرسی صورت می‌گیرد.
۵. هزینه اعتراض به آرای شورا در دادگاه عمومی معادل هزینه دادرسی طرح دعوی در دادگاه عمومی است.

- **اعتراض به بهای خواسته در شورای حل اختلاف:** اعتراض به بهای خواسته در شورای حل اختلاف^۲ در صورت جمع شرایط ذیل امکان پذیر است:
 ۱. خوانده نسبت به بهای خواسته اعتراض کند و بهای دیگری را به عنوان بهای خواسته اعلام کند. البته خود قاضی شورا نیز می تواند نسبت به بهای خواسته تردید کند.
 ۲. خواهان این اعتراض را نپذیرد و بین طرفین در بهای خواسته اختلاف افتد.
 ۳. این اعتراض در صلاحیت شورای حل اختلاف مؤثر باشد؛ یعنی موجب شود که پرونده از شورای حل اختلاف خارج و در صلاحیت دادگاه عمومی قرار گیرد.
- **تکلیف شورای حل اختلاف در صورت اعتراض به بهای خواسته:** در صورت اعتراض خوانده به بهای خواسته یا اگر قاضی در بهای خواسته تردید کند، شورا باید رأساً یا با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین کند.
- **بررسی لزوم یا عدم لزوم رعایت قواعد آیین دادرسی مدنی و کیفری در شورای حل اختلاف:**
 ۱. قاضی شورا، مکلف به رعایت اصول^۳ و قواعد قانون آیین دادرسی مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری است؛ مانند مقررات راجع به صلاحیت، حق دفاع، حق حضور در دادرسی، رسیدگی به دلائل و...
 ۲. مقررات ناظر به صدور رای، وخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، تابع قانون آیین دادرسی مدنی نیست و تابع قانون شورای حل اختلاف است.
 ۳. در شورای حل اختلاف رعایت تشریفات دادرسی، مانند شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین وقت جلسه دادرسی و مانند آن، لازم الرعایه نیست.
- **قواعد ابلاغ در شورا:**
 ۱. رسیدگی در شورای حل اختلاف، مستلزم رعایت قواعد ابلاغ، مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی، نیست.
 ۲. با این وجود، اگر خوانده، علی رغم دعوت از وی، در جلسه رسیدگی حاضر نشود و لایحه نیز ارسال نکند، باید وفق مقررات آیین دادرسی مدنی، اخطاریه برای او ارسال و ابلاغ شود.
- **طرق شکایت از رأی در شورای حل اختلاف:**
 ۱. آرای صادره توسط شورای حل اختلاف، حسب مورد قابل تجدیدنظرخواهی در نزد دادگاه عمومی حقوقی یا کیفری همان حوزه قضایی است. در این خصوص باید توجه داشت که:
 - مهلت تجدیدنظر ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی است.

۲ برای مطالعه قواعد اعتراض به بهای خواسته در شورای حل اختلاف و مقایسه آن با قواعد اعتراض به بهای خواسته در شورای حل اختلاف ر.ک صفحه ۱۷۰ همین کتاب.

۳ منظور از اصول دادرسی، قواعد اساسی است که جنبه زیربنایی و ثابت دارند و سایر مقررات دادرسی بر آنها استوارند برخلاف تشریفات دادرسی که جنبه روبنایی و متغیر دارند و ممکن است در جریان زمان دچار تغییر و نسخ شوند.

- اگر دادگاه عمومی، رأی شورای حل اختلاف را نقض کند، خود، اقدام به صدور رأی مقتضی می‌کند، چه رأی نقض شده شوراء، یک حکم باشد یا یک قرار.
- رأی دادگاه عمومی در این خصوص، قطعی است و مجدداً قابل تجدیدنظرخواهی نیست؛ چه این رأی، مبنی بر تأیید رأی شوراء باشد یا مبنی بر نقض آن باشد.
- اگر دادگاه عمومی پرونده را در صلاحیت شورای حل اختلاف نداند و در صلاحیت مرجع دیگری بداند رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند.
- اگر دادگاه عمومی پرونده را از صلاحیت شوراء خارج و در صلاحیت خود بداند رسیدگی ماهوی کرده و رأی مقتضی را صادر می‌کند. این رأی، رأی بدوی تلقی شده و حسب مورد طبق مقررات آیین دادرسی - مدنی یا آیین دادرسی کیفری قابل تجدیدنظر و سایر طرق اعتراض به رأی است.
- ۲. اگر آرای شورای حل اختلاف به صورت غیابی باشد، در همان شورای حل اختلاف قابل واخواهی است. در این خصوص باید توجه داشت که:
 - تعریف حکم غیابی در قانون شورای حل اختلاف با تعریفی که قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص ارائه کرده است متفاوت است. بنابر ماده ۲۵ ق.ش.ج.ا، اگر محکوم علیه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی حاضر نباشد و به طور کتبی دفاع نکرده باشد، حکم غیابی است، چه اخطاریه وقت رسیدگی ابلاغ واقعی شده باشد و چه ابلاغ واقعی نشده باشد.^۴
 - سایر قواعد واخواهی تابع قانون آیین دادرسی مدنی است.
- ۳. آرای شورای حل اختلاف، قابل فرجام‌خواهی نیست.
- ۴. آرای شورای حل اختلاف، در همان شورای حل اختلاف قابل اعاده دادرسی و اعتراض ثالث است؛ اما اگر رأی شوراء، مورد تجدیدنظرخواهی واقع و در دادگاه عمومی قطعیته یافته باشد، مرجع رسیدگی به اعاده دادرسی و اعتراض - ثالث، همان دادگاه عمومی است؛ زیرا آخرین مرجعی که پرونده در آنجا مورد رسیدگی واقع شده، دادگاه عمومی است.
- ۵. گزارش اصلاحی شورای حل اختلاف قابل اعتراض نیست و قطعی است مگر آن که همان طور که در فصل مربوط به صلح و سازش بیان خواهد شد ادعای بطلان یا فسخ آن طرح شود.^۵

• اجرای احکام صادره از شورای حل اختلاف:

۱. اجرای احکام صادره از شورای حل اختلاف نیازمند مراتب ذیل است:
 - درخواست ذی‌نفع
 - دستور قاضی
 - صدور اجراییه
۲. اجرای آرای شوراء در امور مدنی و کیفری تابع قانون اجرای احکام مدنی، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مقررات اجرای احکام کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری است.

^۴ برای مطالعه تعریف حکم غیابی در قانون آیین دادرسی مدنی ر.ک صفحه ۲۲۶ همین کتاب.

^۵ برای آشنایی با دعوی بطلان گزارش اصلاحی ر.ک صفحه ۳۸۷ همین کتاب

مطالعه قانون شوراهای حل اختلاف (از کتاب مختصر آیین دادرسی مدنی)

تنظیم: محمدمهدی توکلی

کانال آموزش حقوق (<https://telegram.me/lawstudy>)

۳. شورای حل اختلاف دارای واحد اجرای احکام است و واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف دارای قاضی مجری حکم است.

۴. گزارش اصلاحی تنظیم شده توسط شورای حل اختلاف نیز به دستور قاضی شورا توسط واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف اجرا می‌شود.